

سیمای سوره تکویر

این سوره بیست و نه آیه دارد و در مکه نازل شده است. نام سوره، برگرفته از آیه اول است و به معنای درهم پیچیده شدن و تاریک شدن است.

محتوای سوره نشان می‌دهد که این سوره در اوایل بعثت نازل شده است، زیرا مخالفان در اوایل دعوت، آن حضرت را مجنون می‌خواندند و این سوره همانند سوره قلم که در اوایل بعثت نازل شده، مشتمل بر تنزیه آن حضرت از این گونه تهمت‌ها می‌باشد.^(۱)

بخش اول این سوره، تغییرات عظیم و فراگیر این جهان را که مقدمه برپا شدن قیامت است، بیان می‌کند و بخش دوم، بیانگر جایگاه والای قرآن و نقش و تأثیر آن در روح و روان آدمیان است.

در روایات، برای تلاوت این سوره که موجب تذکر و غفلت‌زدایی انسان می‌شود، فضیلت‌های بسیاری نقل شده است.^(۲)

۱. تفسیر المیزان.

۲. تفسیر نورالثقلین.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿ ۲ ﴾ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ﴿ ۳ ﴾ وَإِذَا
الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ﴿ ۴ ﴾ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿ ۵ ﴾ وَإِذَا الْوُحُوشُ
حُشِرَتْ

آنگاه که خورشید در هم پیچیده و تاریک شود. و آنگاه که ستارگان به خاموشی گرایند. و آنگاه که کوهها به حرکت درآیند. و آنگاه که شتران باردار به حال خود رها شوند. و آنگاه که حیوانات وحشی، برانگیخته و گرد هم آیند.

نکته‌ها:

- «تکویر»، به معنای درهم پیچیدن است که در مورد خورشید، به جمع شدن شعله‌های آن و خاموش شدن آن منجر می‌گردد.
- حرکت کوهها در آستانه قیامت، ناشی از زلزله بزرگی است که باعث فروپاشی و متلاشی شدن کوهها می‌گردد و چنانکه در آیات دیگر نیز آمده است، همچون ریگ بیابان روان می‌شوند.
- «عِشَار» جمع «عِشْرَاء» به معنای شتر حامله ده ماهه است که در نزد عرب، با ارزش‌ترین اموال محسوب می‌شده است. اما به هنگام بروز علائم قیامت، بی‌صاحب می‌ماند و کسی به فکر آن نیست.
- «وَحُوش» جمع «وحش» به معنای حیوانی است که هرگز با انسان‌ها انس نمی‌گیرد. مانند

دزدگان. برخی با استناد به آیه ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ أَلِي رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾^(۱) گفته‌اند مراد این آیه نیز، محشور شدن حیوانات در قیامت است. اما برخی دیگر از مفسران، با توجه به اینکه سیاق آیات مربوط به نشانه‌های قبل از قیامت است، گفته‌اند: منظور آن است که قبل از قیامت، در اثر زلزله‌های پی در پی همه حیوانات از لانه‌ها و بیسه‌های خود خارج و در کنار یکدیگر جمع می‌شوند.^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- نظام موجود خورشید و ستارگان در آسمان و کوه و دریا و زمین، روزی دگرگون می‌شود. ﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَ...﴾
- ۲- هستی، محکوم اراده خداوند است و هرگاه او اراده کند، نظام عالم به هم می‌خورد. ﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَ...﴾
- ۳- شاید در قیامت، حیوانات وحشی نیز زنده شوند. ﴿وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾

﴿۶﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿۷﴾ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴿۸﴾ وَإِذَا
 الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ﴿۹﴾ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴿۱۰﴾ وَإِذَا الصُّحُفُ
 نُشِرَتْ ﴿۱۱﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ﴿۱۲﴾ وَإِذَا الْجَبَلُ سُعِرَتْ
 ﴿۱۳﴾ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ﴿۱۴﴾ عَلِمْتَ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرْتَ

و آنگاه که دریاها به جوش آیند. و آنگاه که جانها جفت و قرین شوند. و آنگاه که از دختر زنده به گور شده پرسیده شود. که به کدامین گناه کشته شده است؟ و آنگاه که نامه‌های عمل گشوده شود. و آنگاه که آسمان از جای کنده شود. و آنگاه که دوزخ شعله‌ور شود. و آنگاه که بهشت (برای اهلش) نزدیک آورده شود. هر کس بداند که چه حاضر کرده است.

۲. تفسیر المیزان.

۱. انعام، ۳۸.

نکته‌ها:

□ «سُجْرَت» چند معنا شده است: ۱. به جوش آمدن ۲. به هم پیوستن ۳. پُر و لبریز شدن دریاها که همه آنها طبیعی است، زیرا از یک سو کوه‌ها از جا کنده شده و دریاها به یکدیگر متصل می‌شوند و از سوی دیگر زمین لرزه شدید، گداختگی درون زمین را بیرون ریخته، آنها به جوش آیند و بخار شوند.

□ در قیامت، حوریان بهشتی به تزویج بهشتیان سعادت‌مند در آید. چنانکه در آیات دیگر می‌فرماید: ﴿وَزَوْجَانَهُمْ بِحُورٍ عَيْنٍ﴾^(۱) و جهنمیان دوزخی با قرین‌های شیطانیشان ازدواج می‌کنند. چنانکه در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ تَقِيضًا لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ﴾^(۲) چنانکه امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ﴿وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ﴾ فرمودند: اهل ایمان با همسران بهشتی و اهل دوزخ با شیطان قرین می‌شوند.^(۳)

□ «مُوَدَّة» به معنای دختر زنده به گور شده است. یکی از عادات بسیار بد جاهلیت این بود که به خاطر فقر یا احساس ننگ، گاهی دختران خود را زنده به گور می‌کردند.

□ ولایت والدین بر فرزند محدود است و آنان حق گرفتن حقوق طبیعی فرزند همچون حق حیات را ندارند. پدر نمی‌تواند بگوید فرزند خودم است و حق دارم هر تصمیمی راجع به او بگیرم، چنانکه مادر نمی‌تواند بگوید من نمی‌خواستم بچه‌دار شوم و حق دارم فرزند در شکم را سقط کنم.

پیام‌ها:

- ۱- دفاع از مظلوم، اسلام و کفر ندارد. با اینکه دختران زنده به گور شده مسلمان نبودند، ولی قرآن از حق آنان دفاع می‌کند. ﴿وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ﴾
- ۲- دفاع از مظلوم، زن و مرد، کوچک و بزرگ و فرد و جمع ندارد، حتی از یک دختر کوچک باید دفاع کرد. ﴿بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾
- ۳- با سؤال، وجدان‌ها را بیدار کنید. ﴿بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾

۱. دخان، ۵۴.

۲. زخرف، ۳۶.

۳. تفسیر المیزان.

- ۴- ولایت پدر بر فرزند، شامل حق کشتن فرزند نمی‌شود. ﴿بَأْتَىٰ ذَنْبًا قَتَلْت﴾
 ۵- بیم و امید در کنار هم سازنده است. ﴿الْجَحِيمِ سُعُرَت - الْجَنَّةِ أَزْلَفْت﴾
 ۶- در قیامت، بهشت و دوزخ به اهلش نزدیک می‌شود. ﴿الْجَنَّةِ أَزْلَفْت﴾ (و در آیه ۲۳ سوره فجر می‌فرماید: ﴿وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ﴾ در آن روز جهنم آورده شود.)
 ۷- اعمال انسان در دنیا ثبت شده و پرونده عمل هر کس در قیامت باز می‌شود. ﴿و إِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ﴾

﴿۱۵﴾ فَلَا أَقْسِمُ بِالْخُنُوسِ ﴿۱۶﴾ الْجَوَارِ الْكُنُوسِ ﴿۱۷﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا

عَسَعَسَ ﴿۱۸﴾ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ﴿۱۹﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

﴿۲۰﴾ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿۲۱﴾ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ

سوگند به ستارگانی که باز می‌گردند. در حرکت هستند و پنهان می‌شوند. و سوگند به شب آنگاه که برود. و سوگند به صبح آنگاه که بدمد. که همانا قرآن، کلام پیام‌آوری گرامی است. آن که نزد خداوند صاحب عرش، دارای قدرت و مقام والا است. (فرشته‌ای که) فرمانش برند و امینش شمرند.

نکته‌ها:

- «خُنُوس» جمع «خانس»، به معنای رجوع کننده است. «جَوَار» جمع «جاریه» به معنای روان و در جریان است و «كُنُوس» جمع «کانس» به معنای مخفی شدن است. مفسران با توجه به آیات بعد که در مورد به پایان رسیدن شب و دمیدن صبح است، آیات ﴿فَلَا أَقْسِمُ بِالْخُنُوسِ الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾ را در مورد ستارگان دانسته‌اند که هر شب ظاهر می‌شوند و با طلوع خورشید پنهان می‌گردند، گرچه در همان حال پنهانی، در حرکت اند و لذا شب بعد به جای خود باز می‌گردند.
- «عَسَعَس» به معنای تاریکی رقیق است که به فرموده حضرت علی علیه السلام به هنگام پایان

شب مشاهده می‌شود.^(۱) بنابراین آیه «وَ الْيَلِ اِذَا عَسَعَسَ» شبیه آیه «وَ الْيَلِ اِذَا اَدْبَرَ»^(۲) می‌باشد.

□ «تَنَفَّسَ» به معنای نفس کشیدن صبح است. گویا روز از حبس شب آزاد شده و در هوای آزاد نفس می‌کشد.

□ سوگند خداوند به دمیدن صبح و پنهان شدن ستاره و حرکت کرات آسمانی در زمانی که مردم در جاهلیت به سر می‌بردند، نشانه‌ی توجه اسلام به طبیعت و تفکر در آن است.

پیام‌ها:

- ۱- روز قیامت روز شهود و تجسّم عمل است. «علمت نفس ما احضرت»
- ۲- در قیامت، انسان به جزئیات کار خود آگاه می‌شود. «ما احضرت»
- ۳- فرشته وحی، کریم، امین، قوی و مطاع است. «کریم، ذی قوّة مکین، مطاع، امین»
- ۴- کرامت و بزرگواری، توانایی و مکنّت، داشتن نیروهای فرمان بر و امانت‌داری از شرایط لازم برای پیام‌رسانی و ارشاد است. «کریم، ذی قوّة، مکین، مطاع، امین»
- ۵- جبرئیل مأمورانی فرمان‌بردار در اختیار دارد. «مطاع»

﴿ ۲۲ ﴾ وَ مَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ﴿ ۲۳ ﴾ وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ

﴿ ۲۴ ﴾ وَ مَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ﴿ ۲۵ ﴾ وَ مَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ

رَجِيمٍ

و همانا مصاحب شما (پیامبر)، جنّ زده نیست. و قطعاً آن (فرشته وحی) را در افق روشن دیده است. و او بر غیب بخیل نیست (و آنچه را دریافت کرده، دریغ نمی‌کند). و آن قرآن، از القائات شیطان رانده شده نیست.

۱. تفسیر مجمع البیان. ۲. مدّثر، ۳۳.

نکته‌ها:

□ «ضنن» از «ضن» به معنای بخل ورزیدن است. این کلمه یک بار بیشتر در قرآن به کار نرفته است.

□ مخالفان پیامبر، به او نسبت مجنون می‌دادند و مراد آنان، ارتباط پیامبر با جنیان بود و در واقع، قرآن را از القائنات جن بر پیامبر می‌دانستند. لذا این آیات، در مقام رفع این تهمت می‌فرماید: پیامبر، فرشته وحی را به روشنی دیده و قرآن را از او دریافت کرده است، نه آنکه شیطان بر قلب پیامبر چیزی را القا کرده باشد و او گمان نموده که وحی الهی است.

پیام‌ها:

- ۱- گاهی باید تهمت‌ها را بی‌جواب نگذاشت و پاسخ داد. ﴿و ما صاحبکم بمجنون﴾
- ۲- پیامبر، همراه با مردم و در کنار آنان زندگی می‌کرد. ﴿صاحبکم﴾
- ۳- بهترین نشانه‌ی سالم بودن عقل پیامبر، آن است که شما عمری با او مصاحبت و معاشرت داشته و هیچ فکر و کردار و گفتار و رفتار ناروایی از او ندیده‌اید. ﴿و ما صاحبکم بمجنون﴾
- ۴- پیامبر، جبرئیل را می‌دید. ﴿و لقد رآه﴾ (چنانکه در سوره نجم آیه ۱۳ می‌فرماید: ﴿لقد رآه نزلةً اخری﴾)
- ۵- در برابر تحقیرها، تکریم تحقیر شده‌ها لازم است. ﴿لقد رآه بالافق المبین﴾
- ۶- در جایگاه ملاقات پیامبر با جبرئیل، جای هیچ ابهامی نیست. ﴿الافق المبین﴾
- ۷- شکر علم، بازگویی آن است و بخل علمی، امری ناپسند است. ﴿و ما هو علی الغیب بضنین﴾
- ۸- پیامبر اکرم علم غیب می‌دانست. ﴿و ما هو علی الغیب بضنین﴾
- ۹- رسول خدا، نه از درون گرفتار جنون است: ﴿ما صاحبکم بمجنون﴾ و نه از بیرون تحت تأثیر القائنات شیطانی است. ﴿و ما هو بقول شیطان رجیم﴾
- ۱۰- قرآن، در مرحله نزول از هرگونه تحریفی محفوظ است و جبرئیل هیچ گونه دخل و تصرفی در آن نمی‌کند، ﴿رسول کریم... امین﴾ همان گونه که در مرحله

ابلاغ، دچار هیچ کم و کاست نمی شود. ﴿و ما هو علی الغیب بضین﴾
 ۱۱- قرآن، سخن فرشته وحی است، نه شیطان مطرود. ﴿لقول رسول کریم... ما هو بقول شیطان رجیم﴾

﴿۲۶﴾ فَأَیْنَ تَذْهَبُونَ ﴿۲۷﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿۲۸﴾ لِمَنْ
 شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ ﴿۲۹﴾ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ
 الْعَالَمِينَ

پس به کجا می روید؟ آن (قرآن) جز پند و تذکری برای جهانیان نیست.
 برای هر کس از شما که بخواهد راستی و درستی پیشه کند. و شما
 نمی خواهید جز آنچه خداوند، پروردگار جهانیان بخواهد.

پیام‌ها:

- ۱- انسان بی هدف و بی مکتب نداریم، حتی کفار و مشرکان برای خود راه و مرامی دارند، ﴿لکم دینکم﴾ آنچه مهم است، انتخاب راه درست است. ﴿این تذهبون﴾
- ۲- قرآن، بهترین وسیله پند، تذکر و موعظه است. ﴿ان هو الا ذکر﴾
- ۳- قرآن، برای همه جهانیان است و به زمان و مکان و نژاد خاصی وابسته نیست. ﴿للعالمین﴾
- ۴- در شیوه تبلیغ، تذکر آری ولی اجبار نه. ﴿ذکر للعالمین لمن شاء منکم ان یستقیم﴾
- ۵- راه یابی به راه راست و پایداری در آن، در گرو خواست خود انسان است. ﴿لمن شاء منکم ان یستقیم﴾
- ۶- راه قرآن، راه مستقیم است و به دور از هرگونه افراط و تفریط و اعوجاج می باشد. ﴿لمن شاء منکم ان یستقیم﴾
- ۷- خواست ما در مدار خواست خداست، نه به اجبار او، که در این صورت، خواست ما بی معنا می شود. ﴿و ما تشاؤون الا ان یشاء الله﴾

- ۸- انسان، نه بی اراده است و نه خود مختار. ﴿و ما تشاؤون الا ان يشاء الله﴾
- ۹- مشیت خداوند بر مبنای ربوبیت اوست. ﴿يشاء الله رب العالمين﴾
- ۱۰- چون خداوند رب العالمین است و بر همه امور تسلط دارد، پس خواست انسان نیز مشروط به خواست اوست. ﴿و ما تشاؤون الا ان يشاء الله رب العالمين﴾
- مثلاً در ماشین‌های تعلیم رانندگی، دو دستگاه گاز و ترمز وجود دارد؛ یکی زیر پای کارآموز و دیگری زیر پای مربی. در این ماشین کارآموز می‌تواند از گاز و ترمز سمت خود استفاده کند، ولی به شرط آنکه مربی هم بخواهد. یا نظیر چک‌های دو امضائی که هر یک از دو صاحب امضا می‌تواند امضا کند، اما اثر و پرداخت چک زمانی است که دیگری نیز آن را امضا کرده باشد.

«والحمد لله رب العالمين»